



### چکیده:

دیوان ناصر خسرو و با تصحیح استاد مجتبی مینوی و دکتر مهدی محقق از جمله آثار منقح متون فارسی است که با شیوه علمی و متد تحقیق و تصحیح فراهم آمده است. مع هذا ارزش‌های این متن صرفاً در مقام تصحیح باقی نمی‌ماند، بلکه با ژرف نگری بیشتری می‌توان دریافت که این دو استاد برجسته- با تبخّر در تاریخ، کلام، فلسفه و ادبیات فارسی نیز با تسلط کامل به زبان و ادب عربی- اثر ویژه‌ای را باز تولید کرده‌اند؛ به گونه‌ای که کار تصحیح متن حاضر، علاوه بر گزارش و تحلیل به تفسیر و حتی تأویل متمایل می‌شود یا قابلیت فهم و تأویل بیشتری پیدا می‌کند. آگاهی استاد مینوی از تاریخ و فرهنگ و به ویژه متن شناسی و تصحیح متن، همراه با تبخّر دکتر محقق در کلام، و آگاهی از نخله‌ها و فرق اسلامی و علوم عصر، سبب شده شعر و اندیشه ناصر خسرو بازنمایی واقعی‌تری بیاید. کار استاد مینوی در روش شناسی و جست‌وجو برای قطعیت متن با طرز دکتر محقق در شناسایی جوهر و هستی شعر ناصر خسرو، گویای دو رویکرد توأمان در متن است. نگاه دوم به متن (شیوه دکتر محقق) افزودن بر قابلیت فهم بیشتر به استمرار معنا و تفسیر مدد می‌رساند. در جستار حاضر دو رویکرد و تبخّر ویژه استاد مینوی و استاد محقق در تصحیح متن با این هدف بررسی شده که تلفیق و برآیند آن می‌تواند راهنمای ارزنده‌ای برای محققان در حوزه تصحیح باشد.

**کلید واژه‌ها:** دیوان ناصر خسرو، مجتبی مینوی، مهدی محقق، تصحیح و تحقیق، تفسیر و تأویل.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران. [frz.esmaeilzade@gmail.com](mailto:frz.esmaeilzade@gmail.com)

<sup>۲</sup> استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). [motaleat1347@gmail.com](mailto:motaleat1347@gmail.com)

## مقدمه

ناصر خسرو (۳۹۴-۴۸۱) از شاعران برجسته فارسی‌گوی است که می‌توان او را در ردیف شاعران بزرگ ایران از جمله فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و نظامی قرار داد. این مدعا را استاد مینوی بدین گونه خاطر نشان کرده است: اگر بخواهیم از گویندگان و نویسندگان ایران که در عرض این هزار و یکصد سال ظاهر شده‌اند شش نفر را انتخاب کرده به عنوان اعظم شعری ایران نام ببریم، بنده ناصر خسرو را حتماً در میان آن‌ها ذکر خواهیم کرد، و کسان دیگری نیز بوده و هستند که در این تشخیص و تعیین با بنده موافقت (ر.ک: مینوی ۱۳۸۱: ۳۲۱). همچنین درباره تحول فکری ناصر خسرو و شعر او، استاد محقق یاد آور شده است: ناصر خسرو پس از مراجعت از مصر به ایران زبان انتقاد به خلفای بنی عباس و سلاطین سلجوقی و امرای ترک و علما و فقها که تابع آنان بودند گشود، از این رو، دیوان او افزوی بر پند و اندرز و سخنان حکیمانه، انتقاد صریحی است از زشت کاری و نادرستی و ناراستی که در عین حال، شاعران مدیحه سرا و ستایش‌گر را نیز سخت نکوهیده است (ر.ک: محقق، ۱۳۶۸: ۳۲۴-۳۲۶).

استاد مینوی و دکتر محقق از استادان برجسته و محققان بنام معاصرند - هر دو نماینده جریانی هستند که نخست، تحصیلات خود را با تعالیم مدرسی (اسکلولاستیک) آغاز کرده سپس مقاطع تحصیل را در جوامع دانشگاهی سپری کرده فراتر از آن با ادبیات ملل دیگر آشنا شده به چندین زبان مسلط گردیده و افزون بر تدریس، شیوه‌های تحقیق علمی را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند.

اعتبار ویژه مجتبی مینوی به تصریح صاحب نظران - با آن که در حوزه‌های متعدد تاریخ و فرهنگ و نقد دستی توانا دارد - در نسخه‌شناسی و تصحیح متون<sup>۱</sup> است. دکتر محقق نیز علاوه بر تصحیح و تحقیق در متون کهن، مطالعات گسترده‌ای در لغت‌شناسی از جمله واژگان و تاریخ پزشکی و دارویی، همچنین تحقیق در علوم و فرق اسلامی، تفسیر و تحلیل متون و نظایر آن دارد که می‌توان گفت در حوزه ناصر خسروشناسی رتبه نخست را داراست. او برای

۱. بر این نکته که اهمیت مینوی در نسخه‌شناسی و تصحیح متون است، طی مصاحبه این نگارنده ابتدا با دکتر محقق و سپس دکتر شفیعی کدکنی، تصریح گردید.

شناخت شعر ناصر خسرو ابتدا «تحقیق در دیوان ناصر خسرو» را آغاز کرد که همانا رساله دکتری وی بود (بعدها در تصحیح کامل دیوان با همکاری مجتبی مینوی، اهتمام نمود) دکتر محقق علاوه بر مقالات متعدد درباره شعر و اندیشه ناصر خسرو، نیز تصحیح و شرح پانزده قصیده ناصر خسرو، سه تحقیق دیگر را نیز در همین حوزه در کارنامه خود دارد که عبارتند از: «تحلیل اشعار ناصر خسرو»، «تعلیقات بر دیوان ناصر خسرو» و «شرح بزرگ دیوان ناصر خسرو»، با این احتساب، دکتر مهدی محقق در حوزه ناصر خسروشناسی تبخّر ویژه‌ای دارد. آن چه وی را به کار تحقیق و تصحیح در این عرصه واداشت\_افزون بر انگیزه انکشاف و جست‌جوی معنا در متن- مطالعه خاص و گزارشی همدلانه است که به باورهای او مربوط می‌شود. از این نظر، دکتر محقق، علاوه بر تصحیح با هدف کشف متن واقعی، نوعی احساس دین به اندیشه و عقیده دارد و در کنار تحلیل و تفسیر به مقوله پدیدارشناسی نزدیک می‌شود. این گرایش را می‌توان فهم اعتقادی یا فهم همدلانه نام نهاد. بدین ترتیب، دکتر محقق با متن نوعی رابطه همدلی و قرابت فکری برقرار می‌کند و افزون بر تعلق خاطر به متن، رسالت خود را در اصول و مبادی فهم با هدف کشف حقیقت عنوان می‌کند: «چاپ سابق<sup>۱</sup> [دیوان ناصر خسرو] نه تنها محشو از اغلاط فاحش و افتادگی‌های فراوان است بلکه اشعار مبتدلی که به وسیله ناسخان و کاتبان به دیوان افزوده شده در آن چاپ به چشم می‌خورد. آن اشعار الحاقی نه تنها چهره واقعی ناصر خسرو را آلوده و مکدر می‌سازد بلکه مطالبی کفرآمیز و حتی اعتراض به ذات مقدس باری تعالی در آن‌ها دیده می‌شود.» (محقق، ۱۳۶۸: چهار). بر این اساس، همین رویکرد و احساس دین در هرمنوتیک، به تئوری «شلایر ماخر<sup>۲</sup> نزدیک تر است؛ آن جا که فهم اصیل و خلاق را در تأویل، نشانه ایمان و تعلق خاطر به متن می‌داند.» (جوئل واینسهایمر، ۱۳۸۱: ۱۸ و ۱۹).

در مقابل، کار استاد مینوی را می‌توان با تئوری ویلهلم دیلتای<sup>۳</sup> موافق تر تلقی نمود، زیرا

<sup>۱</sup> مراد نسخه تصحیح شده سید نصرالله تقوی است با مقدمه سید حسن تقی زاده و تعلیقات و توضیحات علی اکبر دهخدا و مجتبی مینوی.

<sup>۲</sup> Friedrich scheleiermacher : نظریه پرداز و متأله آلمانی ( ۱۷۶۸-۱۸۳۴).

<sup>۳</sup> Wilhelm Dilthey : فیلسوف تجربه‌گرا و پوزیتیویست آلمانی ( ۱۸۳۳-۱۹۱۱).

نظریه‌های دیلتای در فهم متن مبتنی بر روش‌شناسی است. یعنی علمی که بر اصول و شیوه صحیح و دقیق تأکید می‌ورزد. مینوی از این منظر، بسیار متأثر از فضای پوزیتیویسم است؛ به ویژه آن که وی سال‌ها در انگلستان با همین طرز تلقی آشنایی پیدا کرده بود. کوشش دیلتای نیز بر این امر استوار بود تا مبانی فهم و تأویل را همچون مبانی علوم طبیعی مستدل و منسجم سازد که البته روش او به شیوه نوکانتی‌ها نزدیک تر است.

### پیشینه تحقیق

شناسایی شعر و اندیشه ناصر خسرو در دوره معاصر، نخست با تصحیح دیوان او آغاز شد. این دیوان طی سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۷ با اهتمام مجتبی مینوی (تصحیح سید نصرالله تقوی، مقدمه دقیق و عالمانه سید حسن تقی‌زاده و تعلیقات علی اکبر دهخدا) به طبع رسید. اما تحقیقات گسترده و جدی با کار دکتر مهدی محقق (شناسایی اغلاط دیوان یاد شده) و مطالعه آثار دیگر ناصر خسرو وارد مرحله تازه‌ای گردید. از پژوهش‌های متعدد دیگر محقق می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد: تحقیق در قالب هفت مقاله، مندرج در مجله یغما (از فروردین تا مهر ۱۳۳۷). «تحلیلی اشعار ناصر خسرو»، «تعلیقات بر دیوان ناصر خسرو» و تصحیح دیوان ناصر خسرو (با همکاری مینوی)، نگارنده این مقاله در نقد و ارزیابی «تصحیح دیوان ناصر خسرو» تحقیق با این عنوان مشاهده نکرده است.

### روش تحقیق

جستار حاضر به روش توصیفی - تحلیلی انجام پذیرفته است. نگارنده با مراجعه به کتابخانه «مجتبی مینوی» و مطالعه آثار، از جمله دست‌نوشته‌های مینوی، و سپس با یادداشت‌برداری، تنظیم و طبقه‌بندی یادداشت‌ها، نیز ارزیابی اطلاعات به دست آمده، به جمع‌بندی و تدوین مباحث اهتمام نموده است.

### مبانی تحقیق

**دیوان ناصر خسرو:** در دیوان ناصر خسرو دو عنصر شعر و اندیشه به گونه‌ای معنادار تلفیق یافته است. این دیوان با معانی خاص، متضمن آرای کلامی و بازتابی از اندیشه‌های اسماعیلیه

است که در عین حال، اخلاق و پارادایم عصر در آن انعکاس پیدا کرده است. دیوان حاضر با یک ویژگی برجسته یعنی غلبه اندیشه بر بلاغت، مشتمل است بر قصاید و قطعات و رباعیات که با ملحقاتی چند و با تصحیح استاد مجتبی مینوی و دکتر مهدی محقق به طبع رسیده است.

**مجتبی مینوی (۱۲۸۲-۱۳۵۵):** از چهره‌های شاخص فرهنگی در دوره معاصر است. وی در کنار علامه قزوینی، حوزه تصحیح و متن‌شناسی یگانه عصر خود به‌شمار می‌آید. مینوی با احتساب کثرت آثار و تنوع در تحقیق (مجموعاً با تالیف حدود چهل کتاب و چهارصد مقاله) نویسنده‌ای پرکار بوده که علاوه بر آن به گردآوری و تهیه میکروفیلم از نسخه‌های خطی اهتمام نمود. آشنایی ایرانیان با بخشی از ادبیات برجسته اروپا مرهون کوشش‌های اوست که از آن جمله می‌توان به «مجموعه پانزده گفتار» اشاره کرد. هم‌چنین «تصحیح کلیله و دمنه» و مجموعه تحقیقی و تالیفی «عمر دوباره» (شامل داستان‌ها و قصه‌ها، نقد حال، و تاریخ و فرهنگ) و «فردوسی و شعر او» از آثار مهم مجتبی مینوی به‌شمار می‌آید.

**مهدی محقق (متولد ۱۰ بهمن ۱۳۰۸):** استاد دانشگاه، نویسنده و پژوهشگر معاصر است که نخست تحصیلات خود را در حوزه تا درجه اجتهاد پیش برد، سپس در رشته زبان و ادبیات فارسی دکترای خود را از دانشگاه تهران اخذ نمود. وی علاوه بر تدریس در داخل و خارج از کشور و همکاری با نهادهای فرهنگی، مراتب تحقیق در حوزه‌های متنوع علوم انسانی را طی نمود و در مطالعات اسلامی و متون فارسی و عربی تبحر پیدا کرد. برای نمونه، همکاری با دایره‌المعارف تشیع، و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی از دیگر فعالیت‌های فرهنگی او به‌شمار می‌آید. از آثار اوست: فیلسوف ری، مجموعه بیست گفتار، شرح بزرگ دیوان ناصر خسرو، شیعه در حدیث دیگران، مداخل و منابع پزشکی در اسلام و ایران.

**تصحیح و تحقیق:** مراد از این عنوان فعالیت‌های فرهنگی استاد مجتبی مینوی و دکتر مهدی محقق است که به‌طور مشخص هر دو شخصیت فرهنگی در حوزه تصحیح متن، متن‌شناسی و تحقیق در زبان و ادبیات فارسی و عربی اهتمام نموده‌اند.

**تفسیر و تأویل:** مقصود از این عنوان، نوعی مواجهه هرمنوتیک با متن، و در واقع، آشکار

کردن و رفع و زدودن ابهام، و در فرجام، کشف پوشیدگی‌های معناست.

## بحث

برای آشنایی و شناخت بیشتر روش دو استاد در تصحیح و تحقیق متن، طرز تلقی و شیوه‌های هر یک بررسی می‌شود. مینوی رساله‌ای در باب تحقیق دارد با عنوان: روش تحقیق تاریخ. این رساله واجد یک ویژگی کم نظیر است که طی آن، استاد، پژوهنده نوکار را با طرح جزئیات کار تحقیق، شیوه برخورد صحیح و علمی با حقایق و اسناد و نقل قول‌های تاریخی و مقولات ادبی در تألیف و تصحیح متن - با ذکر نمونه‌ها و شواهد و مثال‌های مناسب - آشنا می‌سازد. مینوی در آغاز این رساله ضمن اشاره به ضرورت تبیع و جمع آوری اطلاعات در هر گزارش، خاطر نشان می‌کند که موضوعات تحقیق با همه تنوع و گوناگونی در یک چیز یکسانند و آن شکل کار و روش تهیه اطلاعات است؛ یعنی در همه این موارد باید اطلاعات لازم را از مآخذ گوناگون جمع کرد، پهلوئی هم گذاشت، مشکلات مسائل را رفع و حل کرد و حاصل را عرضه کرد. وی سپس یادآور می‌شود: «امروز محتاج به سند هستیم و در حاشیه صفحه و سطر باید [سند] بدهیم، فهرست مأخذ و منابع خود را ذکر کنیم، شهادت‌ها و گواهی‌های اشخاص مختلف را با هم بسنجیم، نادرست را رد و درست را قبول کنیم و سخنی بگوییم که بتوان اثبات کرد». مورخ و محقق باید به دنبال حقیقت واقع باشد و از نتایج تحقیقات دیگران در هر موضوعی که به کار تحقیق او می‌آید بهره‌بردار. وانگهی حل مسائل مشکل و پیچیده مهیج است. رودکی کور مادرزاد بود یا در پیری کور شد. فردوسی به دربار سلطان محمود رفت یا شاهنامه را فرستاد. پادشاهان صفوی حقیقتاً سید اولاد پیغمبر بودند و از ابتدا شیعی مذهب بودند یا کرد و سنی بودند و سیادت و شیعیت را به خود بستند.

مینوی اهل تحقیق را به دو دسته تقسیم می‌کند: یکی آن که شخص اطلاعاتی را جمع می‌آورد که دیگران به آن توجه نکرده‌اند، و دوم آن که محقق، اصول و قواعد ترتیب و تنظیم مطالب به شیوه صحیح را اعمال می‌کند و برآیند اطلاعات و شرح و تفسیر آن‌ها را عرضه می‌دارد. از نظر مینوی نوع اول کار را می‌توان به علم تشبیه کرد و نوع دوم را به یک هنر یا فن، وی سپس تصریح می‌کند. «و درست بخواهید این دو سمت قابل جدا کردن از یک دیگر نیستند مگر در فکر». به باور او نقاد ادبی و نویسنده تاریخ با هم برادرند. نکات دیگری که مینوی بر آن تأکید می‌کند عبارت است از: جامع و مانع بودن موضوع، رعایت تساوی در

تقسیم توضیحات (یکدست بودن توضیحات) باقی نگذاشتن مسائل مبهم و حل نشده در تحقیق، ضرورت انتخاب عناوینی کلی و فرعی، و پیوستگی منطقی مطالب و ارتباط میان اجزای کتاب یا مقاله.

عدم توجه به همین نکات اساسی، سبب شده که مینوی از دو کتاب انتقاد کند که اولی تألیف سعید نفیسی، و دومی نوشته دکتر غلامحسین یوسفی است: «ولی اگر کسی کتابی بنویسد تحت عنوان «محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی» با نوشتن این که امروز چند هزار پوست پنبه و چند هزار گندم از بخارا و سمرقند به دست می آید، یا بخارا و سمرقند از عهد داریوش تا امروز چه وقایع و حوادثی را گذرانده است آیا لزومی دارد؟ یا در کتابی تحت عنوان «فرخی سیستانی، بحثی در شرح احوال و روزگار و شعر او» آیا جایی برای بحث در نقاشی و مجسمه سازی و معماری لئوناردو داوینچی، سرگذشت ویلیم شکسپیر، نوشتجات فرانسیس بیکن فیلسوف، سرگذشت محمد عونی در هندوستان هست؟» (مینوی، ۱۳۷۵: ۱-۲۸)

ذکر این نمونه‌ها برای آن است که دریابیم مینوی فرضیه ویژه‌ای برای تحقیق و تصحیح متون دارد. رویکرد مینوی به تحقیق عمدتاً مربوط به «روش‌ها» و «چگونگی» تحقیق است. بنابراین، ابزارها و فنون تحقیق از منظر او حائز اهمیت است. تا حدی که به «چرایی تحقیق» نمی‌پردازد. اگرچه در آغاز به تفاوت گزارش‌نویس و محقق اشارتی دارد مبنی بر آن که عمده تفاوت آن دو در میزان و هدف است، در این باب هیچ توضیح و راهبردی عرضه نمی‌کند و به طور مشخص، مینوی به ساختار و فرم تحقیق اعتنا و اکتفا می‌کند. «چرایی تحقیق» به قصد و نیت شخص محقق مربوط می‌شود.

برای مثال، اگر پژوهشگر صرفاً دغدغه‌های شخصی داشته باشد و برای رفع تکلیف یا کسب درجه و رتبه وارد تحقیق شود، آیا انگیزه او بر کارش تأثیر نمی‌گذارد؟ اگر محقق شخصیتی به تمامی فردگرا باشد و به حوزه عمومی یا عرصه اجتماعی بی‌اعتنا باشد آیا در کیفیت و ماهیت تحقیق او تاثیری به جای نمی‌گذارد؟ با عنایت به همین پرسش‌ها باید بپذیریم که امر تحقیق یک مقوله «پیشا تحقیق» و یک مرحله «هنگام تحقیق» دارد. به عبارت دیگر، تحقیق

یک بخش «نرم افزاری» دارد که به چرایی و دغدغه و اندیشه‌هایی محقق مربوط می‌شود و یک بخش «سخت افزاری» که به روش‌ها و چگونگی تحقیق اختصاص می‌یابد. با این توضیح، معلوم می‌شود که کار استاد مینوی در حوزه پژوهش عمدتاً به روش‌شناسی مربوط می‌شود. و به همین دلیل، دکتر یوسفی خاطر نشان می‌کند: «مینوی در روش تحقیق بسیار سخت‌گیر بود و حساسیتی در حود و سواس داشت.» (یوسفی، ۱۳۵۶: ۸۷). این طرز تلقی برای تحقیق بسیار ارزشمند است، اما در همان رساله مینوی که باید آن را مانیفست مینوی در تحقیق به شمار آورد وی سخنی در باب انگیزه‌ها و چرایی تحقیق به میان نمی‌آید؛ حتی به راه‌های بالنده کردن خلاقیت در امر نوشتن و ارتقای مهارت‌های زبانی در چگونگی تحقیق اشارتی نمی‌کند. نگارنده این متن با تحقیق در کلیه آثار مینوی، به این نکته پی برده که آثار و تحقیقات استاد مینوی را باید در دو برهه تاریخی و به دو شکل صورت بندی کرد. نوشته‌های وی در دوره قبل از کودتای ۲۸ مرداد عمدتاً حاوی دغدغه‌های اجتماعی است. در این دسته از آثار می‌توان نقد، تحلیل و انگیزه‌های تصحیح یا اصلاح جامعه را مشاهده کرد. اما پس از کودتا اصلاح متن و روش‌شناسی را برای اصلاح متن جامعه و آرمان‌خواهی ترجیح می‌دهد و به «تحقیق برای تحقیق» روی می‌آورد. این امر یعنی آرمان‌زدایی از متون. البته آرمان‌گرایی و پای بندی به باورها به این معنا نیست که شخص، جهان تحریف شده‌ای دارد و مطابق اندیشه‌های خود، پدیده‌ها را ارزیابی می‌کند (چنان‌که متفکرانی چون ماکس وبر، کارل مانهایم و به طور اعم پوزیتیویست‌ها اعتقاد دارند که آرمان‌گرایی بر تحقیق تأثیر سوء می‌گذارد، و این رویکرد را دارای خصیصه مذموم «ایدئولوژیک» می‌دانند). در پاسخ به این انتقاد باید خاطر نشان کرد که اتفاقاً فقدان هدف و آرمان یا حذف «چرایی» در تحقیق، بر نتیجه و ارزش تحقیق تأثیر منفی می‌گذارد، زیرا نتیجه‌گیری تحقیق بر حسب داده‌های عملی مشخص برای انسان یا جامعه انسانی و یا طبیعی که با آن در ارتباط است، ارزش پیدا می‌کند و به سخن دیگر، کار تحقیق برای دست‌یابی به خط و ربطی است که مورد نیاز انسان است و به همین دلیل، تحقیقاتی که فاقد چرایی و اهداف هستند یا به مسائل مبتلابه انسان نمی‌پردازد از ارزش و نتیجه کافی و وافی برخوردار نخواهد بود. تحقیق برای تحقیق، همان شیوه موسوم به پوزیتیویستی است که به روش و چگونگی پایبند است و موضوع‌گرایی (objective) در آن



مراعات می‌شود. در این شیوه، هرگونه پیش‌داوری، داوری و جانبداری، و ارزش‌گذاری (Assessment) باید کنار گذاشته شود، و طبیعتاً چرایی تحقیق در آن جایی ندارد.

تحقیقی که استاد مینوی از آن یاد می‌کند تا حدی به همین شیوه نزدیک است. حال، اگر نگاهی آماری به آثار دکتر محقق بیفکنیم در می‌یابیم که او دغدغه‌ها و زمینه‌هایی دارد که کار تحقیق و تدریس او را به پیش برده است.

توجه او به زکریای رازی، ناصر خسرو، ابوالعلاء معری، شیخ اشراق، مولوی و مانند آن، نشان از منظومه فکری خاصی می‌دهد و این که دکتر محقق صاحب نوعی دستگاه فکری است که به حیات فرهنگی او جهت بخشیده است. به همین دلیل می‌توان اذعان نمود که تبحر وی در حوزه فلسفه و کلام و عرفان اسلامی، نیز علایق او در تصحیح آثار خاص به ویژه، دیوان ناصر خسرو و لسان‌التنزیل، مرهون همان اندیشه‌ها و متأثر از ارزش‌هایی است که همواره دغدغه او بوده است.

بنابراین، جهت‌گیری و بینش او، روش‌ها و چگونگی علم‌آموزی وی را تعیین کرده است. به سخن دیگر، آثار و فعالیت‌های فرهنگی دکتر محقق به بینش و جهت‌گیری فکر او مربوط می‌شود. این جهت‌گیری‌ها البته به تسامح نزدیک تر است تا تعصب و یک‌سونگری. چنان که دغدغه اصلی نزدیک شدن دکتر محقق به شعر ناصر خسرو آزادگی فکری این شاعر و پرهیز وی از مداحی بوده است؛ یعنی دو بیت ناصر خسرو<sup>۱</sup> که او را به تفکر و تعمق وا داشته است (محقق، پیشگفتار چاپ ششم دیوان ناصر خسرو).

بر این اساس، آثار تحقیقی دکتر محقق بر محور فرهنگ اسلامی و ایرانی، نوعی انتخاب معناگراست و همین حرکت فرهنگی نه تنها دایره‌ی بسته‌ای ایجاد نکرده بلکه این سیر فرهنگی، تفکر او را معنا و وسعت بیشتری بخشیده است.

برای نمونه، گفتار همدلانه دکتر محقق در نکوداشت دکتر امیر حسین آریان‌پور، مثال واضحی است از همان مدارای فکری وی، اگرچه دیدگاه‌های دکتر محقق متفاوت با اندیشه‌های دکتر

<sup>۱</sup> پسندیده است با زهد عمّار و بوذر/ کند مدح محمود مر عنصری را؟

من آنم که در پای خوکان نریزم/ مر این قیمتی در لفظ دری را (دیوان: ۱۴۳)

آریان پور باشد.<sup>۱</sup>

نگارنده این سطور بی آن که بخواهد از منظر خود، کنش فرهنگی دکتر محقق را ارزش-گذاری کند، دریافتش این است که این استاد پژوهشگر همواره با ارزش‌ها و آرمان‌های مورد تعریف خود در عرصه فرهنگ حرکت کرده است؛ یعنی حرکت از تنگناهای محیط حوزه و ورود به فضای فراخ تر دانشگاه برای تحقق اهداف خود و آشنایی با نسل جدید و فرهیختگان امروزی که محصول علمی آنان شمول و فراگیری بیشتری داشته است (محقق، ۱۳۹۱: ۱۰۷). دکتر محقق ضمن بررسی و جست‌وجوی معنا در شعر ناصر خسرو، در دیگر آثار وی از جمله جامع‌ال حکمتین، وجه دین، خوان اخوان، و زادالمسافرین را نیز از نظر گذرانید و کوشید ابهامی که ممکن است برای مخاطبان در فهم متن پیش آید به ایضاح و تحلیل دیوان بر آید. وی در چند اثر خود از جمله: «تحلیل اشعار ناصر خسرو»، «تعلیقات دیوان» و «شرح بزرگ دیوان ناصر خسرو»، افزون بر کنکاش و توضیح واژه‌ها و اصطلاحات و عبارات، در جای خود گزارش و تفسیری از متن با عنایت به دانش و بینش خود فراهم آورده است.

برای نمونه، بخش نخست کتاب «تحلیل اشعار ناصر خسرو» که به اقتباس اشعار این شاعر از آیات قرآن اختصاص یافته و احادیث و هم‌سوئی با امثال و اشعار عرب اختصاص یافته، نشانه احاطه دکتر محقق بر علوم قرآن و متن قرآن است. همین مایه آگاهی سبب شده تا وی هنگام مطالعه و بررسی اشعار، آیات همسو با متن را شناسایی و ثبت کند که اغلب اشاره صریح خود شعر هم نیست، بلکه نکته سنجی و دریافت دقیق وی موجب این شناسایی شده است.

برای نمونه، اگر شعر اشارت مستقیمی به آیه ای باشد، یافتن آن چندان دشوار نیست:

زنده به آبد زندگانی که چنین گفت      ایزد سبحان بی چگونه و چون

<sup>۱</sup> دکتر محقق در مقاله‌ای تحت عنوان «یاد باد آن روزگاران یاد باد» علاوه بر ذکر آشنایی خود با دکتر آریان پور از مراتب فضل و خدمات فرهنگی وی به نیکی یاد کرده است. این مقاله، نخست در مجله چپستا، شماره ۱۸۱، سال ۱۳۸۰ چاپ گردید، سپس در یادنامه «استاد دکتر امیر حسین آریان پور» تحت عنوان: «غروب فیلسوف» به طبع رسید.

که به طور مشخص اشارتی است به این آیه: .... و جعلنا من الماء کل شیء حی... (انبیاء/ ۳۰)  
اما در جایی که تأثیر شعر از قرآن به تمامی ظاهر و آشکار نیست، تبهر دکتر محقق از هر دو متن به دریافت او از حیث تشابه یا تاثیر، مدد می‌رساند، برای مثال:

اگر دین خداوندان گرفتی  
بیار از انفس و آفاق برهان  
این آیه آورده شده است: سَتْرِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْاَفَاقِ وَ فِي اَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ اَنَّهُ الْحَقُّ  
(فصلت/ ۵۳).

بخش دوم، مربوط به احادیث و امثال و اشعار عرب است که بر همان پایه نخست، مضامین اشعاری که مترادف با مقولات یاد شده تشخیص داده شده فراهم آمده است. این بخش نیز وسعت اطلاعات مؤلف را از احادیث و امثله و اشعار نشان می‌دهد. همچنین در لابه‌لای متن، نمونه‌هایی از شعر فارسی متناسب با موضوع آورده شده است. اما بخش سوم که شرح «لغات دیوان» است عمدتاً لغات دشوار و ناآشنا با مراجعه با معاجم عربی و لغت-نامه‌های فارسی، نیز تفحص و جست‌وجو در متون نظم و نثر فارسی و کتب تاریخی و جغرافیایی عربی و فارسی، هم چنین با مراجعه به متون مذهبی اسماعیلیه توضیح داده شده که از آن جمله است: صحاح الفرس، آندراج، برهان قاطع، لطائف المعارف، فقه اللغه و سرّ العربیه، مفید العلوم، حدود العالم، الهند، التفهیم، احسن التقاسیم و بسیاری از رسالات و کتب دیگر که از کوشش فراوان نگارنده در فهم ادبیات خیر می‌دهد.

در این بخش در توضیح برخی واژگان به لغت‌نامه مذکور اکتفا شده است برای مثال: آنا: فی الفور، در یک لحظه، به یک‌دم که در اصل، آناً (با تنوین) بوده و در واقع تصرف شاعرانه است؛ چنان که خاقانی نیز چنین تصرفاتی دارد (عمدا= عمداً).

چو آن عود الصلیب اندر بر طفل  
صلیب آویزم اندر خلق عمدا

(خاقانی شروانی: ۲۶)

در این بخش شرح و توضیح الفاظ و عبارات فلسفی و کلامی و منطقی نیامده است که البته خود نیازمند تحقیق جدا گانه ای است.

در بخش چهارم، امثال و حکم و تشبیهات و کنایات فارسی آورده شده که به تصریح دکتر

محقق: ناصر خسرو توجه زیادی به امثال داشته است و از این رو امثالی که در روزگار شاعر در خراسان به کار می‌رفته در اشعار او دیده می‌شود. به کار بردن مثل در روشن کردن ذهن خواص و عوام بسیار تأثیر داشته، زیرا خواص از آن لطف و زیبایی را درک می‌کنند و عوام نیز به وسیله آن به مقصود گوینده نزدیک می‌شوند (محقق، ۱۳۶۸: ۲۸۳). پیوست‌های کتاب، در قالب پنج مقاله، حاوی اطلاعاتی درباره زندگی، احوال، شعر، اندیشه و سبک ناصر خسرو است.

بدین ترتیب، دکتر محقق افزون بر تصحیح دیوان ناصر خسرو با بهره‌مندی از تجارب استاد مینوی در متن‌شناسی و تصحیح متون، یعنی تلفیق دو حوزه اندیشه و روش‌شناسی - کوشید برای فهم متن و شناخت شعر، غموض و پیچیدگی شعر ناصر خسرو را بشناساند؛ هم چنین غلط‌های فاحش را بیرون کشد. او با شرح و توضیح ابیات همراه با نشان دادن تأثیر شعر ناصر خسرو از قرآن و حدیث و شعر عرب، در واقع اندیشه و فکر او را نیز معرفی کرده است. با این احتساب دکتر محقق طی مقالات و تحقیقات خود، از «علوی بودن ناصر خسرو» (یغما، ش ۱، ۱۳۴۹) گرفته تا «تأثیر قرآن در اشعار ناصر خسرو» (دانشکده ادبیات ش ۳، ۱۳۴۰)، نیز با بررسی «مضامین اشعار ناصر خسرو در احادیث و امثال و شعر عرب» (همان ش)، اندیشه ناصر خسرو و نسبت روحانی او را (مجله وحید، ش ۱، ۱۳۴۷).

دکتر محقق در آغاز، ما حاصل کار خود را نخست به صورت هفت مقاله<sup>۱</sup>، سپس در مجموعه «بیست گفتار» به طبع رساند.

همین مایه تحقیق در شعر ناصر خسرو و تبخّر در آن، باز وی را قانع نساخت تا آن که با همکاری استاد مینوی به تصحیح کامل این اثر اهتمام نمود. در تصحیح این اثر، شیوه علمی، نیز آگاهی این دو از متون کهن، به ویژه تجربه دکتر محقق طی سال‌ها تحقیق در شعر و اندیشه ناصر خسرو، همراه با مطالعه در علم کلام و شناخت فرق اسلامی، سبب گردید یکی از متون برجسته فارسی صورت منقح بیابد. با این اوصاف می‌توان اذعان نمود که استاد مینوی در کنار علامه قزوینی بزرگترین متن‌شناسی و مصحح این سرزمین، و استاد محقق اصلی‌ترین

<sup>۱</sup> این مقالات در مجله یغما به ترتیب از فرودین تا مهر ۱۳۳۷ چاپ و منتشر شده است.

پژوهشگر در حوزه ناصر خسرو و پژوهی است که هر دو علاوه بر آن، در زمینه‌های متعدد دیگری نیز تبحر داشته که پیش از این به آن‌ها یاد شد. بحث این جستار در ادامه این است بدانیم که دیوان ناصر خسرو با چه زمینه‌ها و رویکردهایی سامان یافته است تا مخاطبان و محققان جوان از چند و چون آن آگاهی بیشتر پیدا کنند.

پیداست هر دو استاد، هم زنده یاد مینوی و هم دکتر محقق برای تصحیح متن از دانش کافی برخوردار بوده‌اند؛ بدین معنا که هریک پیش از مواجهه با متن، امکانات و ظرفیت‌هایی داشته‌اند که در شناخت متن و کشف معنا، نیز تشخیص زبان متن و سبک، هم چنین شناخت پارادایم عصر، موثر واقع شده است. تلفیق این امکانات و ظرفیت‌ها با اصول و شیوه‌های علمی تحقیق به باز تولید اثری گران سنگ یعنی دیوان ناصر خسرو انجامیده است.

گفتنی است در منطق متن، دو عنصر «حمل معنا» و «خلق معنا» هر دو مطمع نظرند. بر این پایه، هر متن پیش از آن که حامل معنا باشد خالق معناست. در حمل معنا با انتقال معنا سر و کار داریم. اما خلق معنا در جایی صورت می‌گیرد که متن با ابهام همراه باشد یا خواننده به هر دلیلی با وضوح متن روبه‌رو نباشد- اعم از آن که متنی تمثیلی یا استعاری بوده، یا میان زمینه‌های خلق متن با مقتضیات قرائت متن تفاوتی وجود داشته باشد، هم چنین بر اثر گسست تاریخی و تفاوت پارادایم میان متن و خواننده، یا به دلیل راه‌یابی انحطاط به متن در پی گذر زمان و آن چه متن از اصل دورسازد و دچار نقیصه باشد، و به طور کلی هر آن چه وضوح متن را برای خواننده دچار اختلال کند- در این جا پای تحلیل و تفسیر متن به میان می‌آید. با این فرض، کار تصحیح متن بر اساس همین مؤلفه‌ها قابل ارزیابی است، زیرا مصحح متن، بر پایه آن چه ذکر شد، نخست باید ابهامات متن را شناسایی کند؛ سپس تا حد ممکن اندیشه و روح زمانه را کشف کند و طی آن به دیدگاه‌های خالق اثر نزدیک شود؛ هم چنین زبان متن را- با همه‌ی گستردگی در معنا- دریابد، افزوده‌ها و اغلاط آن را بشناسد و سرانجام با این انکشاف، از دانش خود برای تسهیل معنای متن بهره جوید. آشکار است که طی این مراتب، باید مبتنی بر دانش و آگاهی کافی از متن باشد. بر این اساس، تصحیح دیوان ناصر خسرو باید چنان مسیری را طی کرده و بر پای این آگاهی و شناخت باشد که شعر ناصر خسرو نمونه‌ی متراکم تلفیق عقل و دین است. شناخت این حوزه‌ها یعنی عقل کلامی و

آگاهی از دین و فرق مختلف با عنایت به پارادیم عصر و روح زمانه کاری است که هم استاد مینوی و هم استاد محقق طی مقالات و تحقیقات خود به آن پرداخته‌اند، مضافاً این که دکتر محقق به شکل تخصصی نگاه خود را به شعر و اندیشه ناصر خسرو معطوف داشته است. تفکر این شاعر و نویسنده متکلم مربوط به منظومه‌ی فکری اسماعیلیه یا باطنی است. باطنی‌ها تفسیر و تاویلی همخوان با قدرت حاکمان علوی مصر، و مغایر با قدرت قاهره در ایران داشته‌اند.

«اسماعیلیان معتقدند که قرآن و شریعت را تفسیر باطن یعنی تأویل باید کرد» (محقق، ۱۳۶۸: ۳۷۰)؛ چنان که ناصر خسرو تصریح کرده است:

هرکه بر تنزیل بی تأویل رفت  
او به چشم راست در دین اعور است

فهم این مقولات اگر با صراحت بیان شده باشد چندان دشوار به نظر نمی‌آید، اما در موارد بسیار شعر ناصر خسرو و نیاز به توضیح و تفسیر دارد، زیرا خواننده غیر متخصص اغلب با ابهام در متن روبه‌رو می‌شود؛ برای نمونه، بیتی نظیر این در دیوان:

به میان قدر و جبر ره راست بجوی  
که به نزد عقلا جبر و قدر درد و عناست

در این جا، آگاهی و اشراف دکتر محقق از تعالیم اشاعره و معتزله، به کار می‌آید و این که فصلی از جامع المکتب با آن که در رد مذهب اعتزال آمده اما ناصر خسرو در مسأله‌ی جبر و اختیار مانند سایر فرق شیعه به امر بین الامرین<sup>۱</sup> اعتقاد داشته، توضیحات استاد فهم را برای خواننده آسان می‌کند.

شعر ناصر خسرو لایه‌های دشوارتری نیز دارد، برای مثال:

بشو زی امامی که خط پدرش است  
به تعویذ خیرات مر خبیری را

(دیوان، ص ۹۴۳)

دکتر محقق در تفسیر و توضیح بیت، نخست تعبیر ادیب نیشابوری در فهم بیت را رد می‌کند؛ سپس با طرح روایات تاریخی و مذهبی در خصوص نامه حضرت علی و مدعای یهودیان از معاف گشتن در پرداخت جزیه، نیز با اشاره به همان نامه به دو خط عربی و عبری – موجود در

<sup>۱</sup> لاجبر و لاتفویض بل امر بین الامرین.

کمبریج - صحت آن را مستبعد می‌داند؛ اگرچه معنای بیت را نیز آشکار می‌کند.

اما بحث بر سر این است که احاطه دکتر محقق بر فرهنگ و معارف اسلامی موجب گشودن و فهم معانی ابیاتی از این دست شده است.

هم چنین صورت ناصحیح این مصراع: « رخصت سگ بچه داده بود یکی دام ...» بدین شکل تصحیح می‌شود:

رخصت سیکی پخته بود یکی دام      دیگر دامی حدیث عشرت غلمان

(دیوان: ۴۵۰)

در این جا نیز آگاهی استاد از فرق اسلامی، و متون مختلف، سبب اصلاح بیت شده از کشف الاسرار میبیدی این مثال را می‌آورد: «ابوحنیفه گفت... و مطبوخ که دوسیک از آن بشود و سیکی بماند خوردن آن مباح است و حد واجب نکند» (محقق، ۱۳۶۸: ۲۰۱).

بدین سان، این آگاهی از تاریخ و روایات اسلامی فهم را آسان و خواننده را اقناع می‌کند. ضمن آن که دکتر محقق در این جا در مقام یک مورخ درصدد کشف یک واقعیت تاریخی برآمده استدلال و استناد خود را به شیوه علمی مطرح می‌سازد. فهمی چنین از متنی که ممکن است مشحون از ابهامات، تعقیدات، کژتابی‌ها و یا اطلاعات و آگاهی‌های عصر مؤلف باشد، از الزامات پیش از تحقیق و تصحیح به شمار می‌آید؛ یعنی مواجهه با متونی از این دست نیازمند آگاهی‌های زبانی، تاریخی و علمی است.

به باور این نگارنده، شعر ناصر خسرو متضمن چند لایه مختلف است که یکی به زبان و گویش متن - اعم از زبان ویژه، زبان مهجور و زبان بومی یعنی سطح ارتباطی مربوط می‌شود. دوم، به ماهیت خود شعر و سطح هنری پیوند می‌یابد؛ اگر چه شعر ناصر خسرو عمدتاً تا سطح نظم تقلیل پیدا می‌کند. سوم، سطح آگاهی‌ها و اندیشه شاعر، که حامل معنای خاصی است. چهارم، به پارادایم یا منظومه‌ی فکری عصر و روح زمانه اختصاص می‌یابد و پنجم، انعکاسی از تاریخ پر تنش زمان، و روایتی غیر مستقیم از رقابت و نزاع بر سر سیادت مذهبی بوده که جدای از جدال بر سر تکاثر و قدرت و مناسبات اجتماعی نیست، بلکه عرضه چنین متنی به نوعی با عصر فتودالی و شبان رمگی مرتبط است و چنین شعری به یک معنا خاستگاه

و باز نمود عصر خود تلقی می شود. شناخت این لایه‌ها که با مطالعه شعر و اندیشه ناصر خسرو - به مدد تصحیح این دو استاد، به ویژه تفسیر و تحلیل دکتر محقق فراهم آمده - به باور این نگارنده با تلفیق دو رویکرد به متن امکان پذیر شده است.

نگاه استاد مینوی در باب تحقیق و تصحیح متن، معطوف به متدلوزی (روش‌شناسی) است. حوزه عمل این استاد در عرصه فرهنگ به روش‌ها و کوشش‌هایی برای متن‌شناسی و یا دست‌یابی به قطعیت متن منتهی شده است. اهتمام اصلی وی این بوده که متن منقحی را عرضه نماید و با مقابله نسخه‌های متعدد بر عدم تعین غلبه کند. بنابراین، از نظر او صرفاً «اقدام نسخ اصح نسخ نیست»، بلکه صورت بندی‌های دارای معنا برای او مهم است که البته وی با تکیه بیشتر بر اقدام نسخ به کار تصحیح پرداخته است.

نقش برجسته مجتبی مینوی در جمع آوری نسخ و عکسبرداری از هزاران نسخ خطی (برای نمونه، بالغ بر دوازده هزار نسخه خطی در ترکیه)، اهمیت نوشته‌های او در حوزه تاریخ و فرهنگ، و کار ارزشمند او در تصحیح متون فارسی، هیچ‌گاه از حافظه فرهنگی محو نمی‌شود. مع هذا اهمیت او در متن‌شناسی و تصحیح متن پررنگ تر است. حتی تصحیح متونی چون مصنفات افضل‌الدین کاشانی<sup>۱</sup> او را به جانب فلسفه نکشاند. از این رو توجه او به صورت متن بیشتر شد و اگر هم گاه در ماهیت امور از جمله تاریخ، چون و چرا کرد گرایش او به تاریخ نگاری، بیشتر شد تا تاریخ نگری. در کار تصحیح، اگر چه مصحح تمام کوشش خود را برای نزدیک شدن به متن اصلی مصروف نماید، ممکن است متن صورت نهایی پیدا نکند برای مثال، تصحیح کلیله و دمنه یکی از شاهکارهای تصحیح است که توان علمی مینوی در آن تصحیح کاملاً مشهود است. با این همه، پس از چاپ اول این اثر، سید محمد فرزانه بیش از ۲۵۰ غلط از آن استخراج کرد که مینوی برخی از آن‌ها را وارد دانسته در چاپ دو، اصلاح نمود. بنابراین، با همه‌ی کوشش برای تصحیح متن چه بسا متن صورت نهایی پیدا نکند و همچنان دچار ابهامات و کاستی‌هایی باشد. چرخش تاریخی مینوی عمدتاً از حوزه اجتماعی، فرهنگی و تاریخی به حوزه ی تصحیح متن، پس از وقوع کودتای ۲۸ مرداد صورت

<sup>۱</sup> تصحیح این متن با همکاری دکتر یحیی مهدوی صورت گرفت.



گرفت که متعاقب آن، به تدریج او را به جانب تحقیق صرف کشاند و بدین ترتیب کوشش های فرهنگی او تقریباً یکسویه شد. به سخن دیگر، مسائل روز جامعه و تلاش برای اصلاح امور یا پرسش هایی مربوط به (چرایی تحقیق) و این که چه تحقیقی و چرا باید صورت گیرد دیگر دغدغه ی او نبود. مینوی می خواسته به قطعیت متن و صورت نهایی آن برسد. هرچند به دلیل شکاف تاریخی، تفاوت گفتمان ها و تغییرات عمده در زبان، دست یابی به چنان امری قطعی به نظر نمی آید.

حتی اگر کار تصحیح را تمام شده تلقی کنیم او با «پس از تصحیح» دیگر کاری ندارد. تا این جا کار او شبیه به صنعتگری است که ابراز می سازد و حال، دیگرانی باید با آن ابزار (اعم از روش تحقیق و رسیدن به متن منقح) بتوانند دست به تولید بزنند، یعنی با ابزار یا همان متون، دیگران به کار تحلیل، تفسیر، نقد اندیشه و تفکر و بالمآل به تغییرات و تکامل فرهنگی روی آورند. از این رو و از یک نظر، کار متن «حدّ یقف» ندارد. کار دکتر محقق با تحلیل و توضیح اشعار ناصر خسرو، و نوشتن مقالاتی در حوزه ی اندیشه ی ناصر خسرو، اثباتی بر همین فرضیه است. پس تصحیح متن و دست یابی به زبان متن و کوشش برای قطعیت آن اگرچه ضروری، اما کافی به نظر نمی آید. توجه به عدم قطعیت متن - نه الزاماً با تئوری و نگاه ژاک دریدا- راه های جدیدتری برای متن باز می گشاید. بر پایه همین فرض، راقم این سطور، با کنکاش در دیوان ناصر خسرو و متون دیگر، نخست نمونه های دیگری از تأثیر ناصر خسرو از آیات و احادیث و امثال عرب فراهم می آورد که در تحلیل (اشعار ناصر خسرو) نیامده، سپس تلقی خود را از شعر و اندیشه ناصر خسرو مطرح می سازد:

فرزند تو، این تیره تنِ خامشِ خاکبست  
پاکیزه خرد نیست نه این جوهر گویا  
(دیوان: ۱۴)

و دونه نفس اذا تعلق / جسماً و الا عقل المفارق (حاج ملاهادی سبزواری، شرح غرر الفوائد: ۱۷۶)

همچنین در همین قصیده آمده است:

گر تو به مدارا کنی آهنگ بیایی  
بالمدارا تُسأسُ الامور  
بهرتر بسی از مُلکت دارا به مدارا

شاید که بگریند بر آن دین که فقهپانش

آنند که دارند کتاب حیل از بر  
(دیوان: ۱۳۲)

أَنَّهُ لَمْ يُسَبِّقْ فِي الْحِيلِ الْفَقْهِيَّةِ<sup>۱</sup>  
یا :

لَقَدْ نَزَلَ الْفَقِيهَ بَدَارِ الْقَوْمِ / مَكَانَ لَامِرِهِ فِيهِمْ نُجُوز

- پزشکی چون کنی کس را ؟ که هرگز / نیاید راحت از بیمار، بیمار<sup>۲</sup> (دیوان: ۱۸)  
و كُلِّ انْسَانٍ الزَّمَانُ طَائِرَةٌ فِي عُنُقِهِ وَ نُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا بَلْقِيَهُ مَنْشُورًا (اسری/۱۳،

دامادی: ۱۳۷۹)

طَبِيبٌ يَدَاوِي النَّاسَ وَ هُوَ عَلِيلٌ

نظیر این بیت فردوسی:

ز بیمار چون باز دارد گزند

پزشکی که باشد به تن دردمند

(امثال و حکم: ۱۰۷۶)

یا از دیوان ناصر خسرو:

زین طبیبان که زار و بیمارند

کی شود هیچ دردمند درست

(دیوان: ۴۷۲)

هم چنین:

جز که بیمارو به تن رنجه نباشی چو همی رهبر از گمره جوئی و پزشکی ز سقیم

(دیوان: ۳۵۷)

که آن را جهان دار دادار دارد

یکی روزنامه ست مکارها را

(دیوان : ۳۷۶)

۱. دکتر محقق در (تعلیقات دیوان ناصر خسرو)، همان سخن ابوحنفیه را در باب حیل‌های فقهی ابوحنفیه بررسی می‌کند که مربوط به توضیحات این بیت است: حیلت و مکرست فقه و علم او و سوی او / نیست دانا هرکه او محتال یا مکار نیست

۲. دکتر محقق برای بیت حاضر این سخن را البته از اخلاق محتشمی آورده اند:

فاذا رایتَ الطَّيِّبَ يَجْرُالدَاءُ الی نَفْسِهِ كَيْفَ يَدَاوِي غَيْرَهُ

هر زمان بتر شود حال رمه چون بودش از گرسنه گرگان رعات

بیت حاضر با این ضرب المثل عرب قابل مقایسه است:

مَنْ اسْتَرَعَى الذَّنْبَ ذَنْبًا.

- ذل بود بار نهال طمع / نیک بهره‌یز از این بدنهال (دیوان: ۳۴۸):

الطامع فی وثاق الذلِّ

آن همی گوید امروز مرا بد دین که بجز نام نداند ز مسلمانی

(دیوان: ۴۳۶)

ظاهراً مشابهتی با این حدیث دارد:

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَمِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ (نهج البلاغه، حکمت‌ها)  
این نمونه‌ها نشان می‌دهد که با کنکاش در متن می‌توان به مفاهیم و جلوه‌های دیگری از متن دست یافت. خصلت شعر به گونه‌ای است که خارج از بستر اصلی و روح زمانه، می‌تواند معنازا باشد. شعر علاوه بر آن که متأثر از یک موقعیت است چه بسا ممکن است موقعیت دیگری خلق کند یا خواننده افزون بر جوهر متن یا معنای ثابت، قوه فهم و تفسیر خود را به کار بیندازد و معنای دیگری نیز کشف کند.

نگارنده‌ی این سطور، علاوه بر ذکر پاره‌ای دیگر از همسانی‌ها شعر ناصر خسرو با برخی امثال و اشعار عرب، با همان نگرش عدم قطعیت در متن‌های چند لایه، و با انکشاف در متن منقح دیوان ناصر خسرو، و با عنایت به این‌که دکتر محقق بر متن و اندیشه ناصر خسرو و خط پایانی نکشید، این دریافت و گزاره‌ها را نیز می‌تواند مطرح سازد:

۱- این شاعر متکلم دنیای بیرون را سراسر ظلم و بی‌عدالتی و در عین حال، ناپایدار می‌بیند و روزگار را با مشقت و اندوه سپری می‌کند. گویی دنیای بیرون به او تعلق ندارد، اما همین مایه عدم تعلق سبب نمی‌شود که سراسر منفعلانه در برابر آن بایستد، بلکه کوشش می‌کند به نقد دنیایی دست زند که علقه‌هایش از آن دنیا گسسته است. در نتیجه از منظر او کسانی را باید سعادت‌مند تلقی کرد که مالک چیز واقعی در درون خود هستند. او از دنیای بیرون رانده می‌شود و عاقبت، آن چه به او تعلق می‌یابد جزیره‌ی وحشت‌زایی است در میان طبیعت خشن یمگان که در آن محصور مانده است. ناصر خسرو از وضع موجود به

شدت می‌گریزد و صرفاً امر مطلوب در دنیای دیگر را جست‌وجو می‌کند. او در اصل، از جهان متلون و متغیر گریزان است. از منظر او این جهان محسوس، نه تنها نامطمئن بلکه فریبده است و بنابراین، نباید رنگ تغزل و ترانه پیدا کند. اگر فکر و شعر ناصر خسرو با مسأله انسان عصر او ارتباط پیدا می‌کند، این مقوله به هیچ روی تقاضای مادی و تنعم و رفاه نیست، بلکه به عکس، این حقوق اولیه انسان تقبیح می‌شود تا چه رسد به این که معترض بی عدالتی و شکاف طبقاتی باشد. مع هذا صدای اعتراض ناصر خسرو علیه دین مداران و روحانیانی است که دین را به ابزاری برای تنعم مادی و تکاثر بدل کرده‌اند.

۲- دین در عصر ناصر خسرو با توزیع نامتوازن ارزش‌ها، نیز پیوند دین با مقاصد حاکمان و قدرتمندان، جایگاه خود را برای تأمین حیات معنوی و استعلایی، دست کم برای اشخاص متفکر و حساس به معنویت، از دست می‌دهد. در چنان فضایی، و برای کسانی چون ناصر خسرو که در جست‌وجوی حیات استعلایی هستند دین رسمی، بظاهر تکیه گاهی در یک جهان بی تکیه‌گاه و بی هویت، و در اصل، روح جهان بی‌روح است. در نتیجه، شعر و دغدغه‌های استعلایی اهمیت پیدا می‌کند و به حوزه فردی معنویت رانده می‌شود و بالمآل، جان پناهی برای روان‌های گسیخته‌ای چون ناصر خسرو می‌شود.

۳- شعر ناصر خسرو نمونه متراکم عقل کلامی و دین غیردنیایی است. اندیش او به زبان شعر به بیان در می‌آید و حجیت می‌جوید. این شعر چونان وسیله‌ای برای مقاصد عالی شاعر به خدمت گرفته می‌شود و از این نظر با شعر در معنای زیبایی‌شناسی فاصله می‌گیرد و چه بسا هاضمه هنری به سبب کاستی‌های عناصر زیبایی‌شناسی در این نوع از شعر، آن را واپس زند. با این همه، ناصر خسرو امکان تجربه همزیستی شعر و اندیشه را در یک برهه تاریخی فراهم آورده است.

### نتیجه

دیوان ناصر خسرو از متون برجسته فارسی است که با تلفیق دو رویکرد در تحقیق یعنی شیوه روش‌شناسی و معرفت‌شناسی استاد مینوی و طریق معناشناسی و جست‌وجوی در اندیشه شاعر صورت تنقیح پیدا کرده است. در روش نخست، بازشناسی متن، امری ضروری بوده اصلاح و تنقیح آن به زبان، سبک و دانش عصر نیز متکی است. کوشش مینوی در تصحیح

متن، به سامان رساندن متن است و هدف از تحقیق، خود تحقیق یا به کارگیری بهینه از ابزار و شیوه‌های جست‌وجو، و دست‌یابی به نتایج پژوهش است که پژوهشگری طی آن کار خود را به پایان می‌رساند. این شیوه همان روش پوزیتویسم است که استاد مینوی در فضای علمی انگلیس با آن خو گرفته است. در روش دکتر محقق، ضمن تصحیح متن، توجه به جوهر معنا و به نوعی احساس دین به متن و کوشش برای دریافت دغدغه مؤلف، مطمح نظر است. از این رو، کار تحقیق با تحقیق پایان نمی‌یابد بلکه تصحیح با تحلیل و تفسیر پیوند می‌خورد. در این شیوه، هرچند چارچوب‌های متن مشخص می‌گردد، راه تفسیر و حتی تأویل متن گشوده می‌شود. در تصحیح دیوان ناصر خسرو و ترکیب این دو شیوه، بخوبی آشکار است. این شیوه می‌تواند راه کار مناسبی نه تنها برای تصحیح متن، بلکه کار بست مطمئن در هر تحقیق باشد. در متن‌هایی چون دیوان ناصر خسرو که نمونه تراکم شعر و اندیشه یا تلفیق عقل و دین در معنای خاص خود است راه تفسیر و تأویل متن به فهم و شناخت مدد می‌رساند و زمینه‌های نفادی را بیشتر فراهم می‌سازد.

## منابع

۱. قرآن مجید، (۱۳۸۰) ترجمه علی اصغر حلبی، تهران: انتشارات اساطیر.
۲. اتحاد، هوشنگ، (۱۳۸۵) پژوهشگران معاصر ایران ۹، تهران: فرهنگ معاصر.
۳. احمدی، بابک، (۱۳۷۲) ساختار و تأویل متن، ج ۲، تهران نشر مرکز.
۴. اسکیلانس، اوله مارتین، (۱۳۹۳) درآمدی بر فلسفه و ادبیات، ترجمه مرتضی نادری دره شوری، تهران: نشر اختران.
۵. افشار، ایرج، (۱۳۵۶) پانزده گفتار درباره مجتبی مینوی، تهران: کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران.
۶. اقبال لاهوری، محمد، (۱۳۵۴) سیر فلسفه در ایران، ترجمه اح آریان پور. تهران: موسسه فرهنگی منطقه‌ای و سازمان انتشارات بامداد.
۷. بارت، رولان، (۱۳۶۸) نقد تفسیری، ترجمه محمد تقی غیائی، تهران: انتشارات بزرگمهر.
۸. دامادی، سید محمد، (۱۳۷۹) مضامین مشترک در ادب فارسی و عربی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. گروندن، ژان، (۱۳۹۳) هرمنوتیک، ترجمه محمدرضا ابولقاسمی، تهران: نشر ماهی.
۱۰. محقق، مهدی، (۱۳۶۸) تحلیل اشعار ناصر خسرو، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱) هشتمین بیست گفتار، تهران: دانشگاه تهران و دانشگاه مک گیل.
۱۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹) یاد باد آن روزگاران یاد باد، مجموعه «غروب فیلسوف» (یادنامه استاد دکتر امیرحسین آریان پور)، برلن: انتشارات افرا با همکاری انتشارات فروغ و انتشارات دنا.
۱۳. مهدی محقق و حمیده حجازی، (۱۳۸۹) شرح بزرگ دیوان ناصر خسرو، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۱۴. مینوی، ماه منیر، (۱۳۸۱) مینوی برگستره ادبیات، تهران: نشر توس.

۱۵. مینوی، مجتبی، (۱۳۶۹) تاریخ و فرهنگ، تهران: انتشارات خوارزمی.
۱۶. \_\_\_\_ (۱۳۷۵) یادداشت‌های مینوی، به کوشش مهدی قریب و محمدعلی بهبودی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۷. ناصر خسرو قبادیانی، ابومعین، (۱۳۳۲) جامع الحکمتین، تصحیح محمد معین و هنری کربن. تهران: انستیتو ایران و فرانسه.
۱۸. \_\_\_\_ (۱۳۸۴) دیوان اشعار حکیم ناصر خسرو قبادیانی، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. \_\_\_\_ (۱۳۵۶) وجه دین، تصحیح غلامرضا اعوانی، تهران: انجمن فلسفه ایران.
۲۰. واینسهایمر، جوئل، (۱۳۸۱) هرمنوتیک فلسفی و نظریه ادبی، ترجمه مسعود علیا، تهران: نشر ققنوس.

#### مقالات

۲۱. محقق، مهدی، (۱۳۸۲) تعلیقات بر دیوان ناصر خسرو، نشریه نامه پارسی، سال ۸، شماره ۲. صص: ۲۴۱-۲۲۱.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## Text Editing, Thought Interpretation Review of Editing Method of Nasir Khusrow Collection

Firooz Esmaealzadeh<sup>1</sup>, Dr. Mehdi Mohaghegh<sup>2</sup>

### Abstract

Nasir Khusrow Collection edited by Professor Mojtaba Minovi and Dr Mehdi Mohaghegh is one of the valuable Persian text which has been provided through scientific and research method. Therefore the value of this text will not merely be for its editing and with deep meticulous observation can perceive that these two Full Professors of historian, language, philosophy and Persian literature and also Arab literature have reproduced a remarkable masterpiece so that the editing of this text apart from reporting and analysing and even interpretation lies beyond other works or provides further interpretation and understanding. The immense knowledge of Professor Minovi in history and culture and especially text editing along with the mastery of Dr Mohaghegh in language, and his knowledge of religious and the difference of Islamic and current science have helped to clarify Nasir Khusrow Collection. Professor Minovi's work in methodology and seeking for certainty of text along with Dr Mohaghegh way in recognising the theme of Nasir Khusrow's poem expressing two theories in the text. The second glance at the text (Dr Mohaghegh's method) in addition to better understanding helps the continuity of concept and interpretation. In this research two interpretations and the knowledge of Professor Minovi and Professor Mohaghegh in editing text has been studied in collaboration in order to be a valuable source for researchers in editing field.

**key words:** Nasir Khusrow Collection, Mojtaba Minovi, Mehdi Mohaghegh, editing and research, interpretation and reproduction

---

<sup>1</sup> . PhD student, Islamic Azad University, Karaj Branch, Karaj, Iran.

<sup>2</sup> . Professor of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran (Responsible author)